



## بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه - 22 / مهر / 1390

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الأرضین.

اگرچه از گذشته، هم از دور، هم از نزدیک، منطقه‌ی کرمانشاه و مردم کرمانشاه را تا حدود زیادی میشناختم، اما در این دو سه روز کوتاهی که خداوند توفیق داد با شما مردم عزیز در بخشهای مختلف ملاقات کردم و مطالعه کردم و رفتارها را دیدم، ارادتم به کرمانشاه و کرمانشاهی بیشتر شد. خدا را سپاسگزاریم که توفیق و هدایت خود را شامل این مردم باصفا، مؤمن، صادق، دارای مروت و فتوت و جوانمردی کرده و بحمدالله نسل جوان و رو به رشد این منطقه و این استان، همان خصوصیات مثبت و برجسته و ممتازی را که گذشتگان آنها از خلیقات اجتماعی برای آنها به ارث گذاشتند، حائز شده و مهمتر این که فکر انقلاب، جریان انقلاب، روحیه‌ی انقلابی، منطق انقلاب و سخن انقلاب در این استان زنده است.

برنامه‌های امروز هم برنامه‌های خوبی بود. از برنامه‌ریزان محترم این جلسه هم تشکر میکنیم؛ هم سرود دسته‌جمعی‌شان، هم ورزش باستانی‌شان خوب بود. از جوانهایی که میل به ورزش دارند، آمادگی ورزش دارند، بجد میخواهیم که این احساس توانائی را در خودشان جدی کنند. مجموعه‌ی نسل حاضر ما در کنار پیشرفتهای معنوی، پیشرفتهای فکری و چیزهایی که انقلاب به ما هدیه داده است - که من اجمالاً عرض خواهم کرد - آمادگی‌های جسمانی خودشان را تأمین کنند. سلامت جسمی و توانائی جسمانی، برای مردانی که اهل معنا، اهل معنویت، اهل فکر و اهل اهداف والا هستند، چیز لازمی است و بسیار مفید و کمک‌کار آنهاست.

امروز در این جلسه، مسئله و بحث بر سر سپاه و بسیج است. سپاه به عنوان یک نهاد، یک شاخه‌ی برآمده‌ی برومندی از ریشه‌ی این انقلاب و این نظام، و بسیج هم به عنوان یک حادثه‌ی بدیع و بی‌نظیر در مجموعه‌ی حوادث انقلاب، باید مورد توجه قرار بگیرد.

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح میشود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء میکند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند.

ما مردم‌سالاری را قبول داریم، آزادی را هم قبول داریم، اما لیبرال‌دموکراسی را قبول نداریم. با اینکه معنای لغوی «لیبرال‌دموکراسی»، همین آزادی و همین مردم‌سالاری است، اما واژه‌ی لیبرال‌دموکراسی در اصطلاح مردم‌عالم، در معرفت و شناخت مردم‌عالم، با یک مفاهیمی همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ نمیخواهیم آن اسم را بر روی مفهوم پاکیزه و صالح و خالص خودمان بگذاریم؛ لذا ما برای نظام مطلوب خودمان، اسم جدید میگذاریم؛



میگوئیم مردم سالاری اسلامی، یا جمهوری اسلامی؛ یعنی نام جدید انتخاب میکنیم. یا برای تقسیم درست ثروت و استفاده‌ی همگان از ثروت‌های عمومی، که یکی از اهداف والا و اساسی اسلام است، از واژه‌ی «سوسیالیسم» استفاده نمیکنیم. با اینکه سوسیالیسم هم از لحاظ معنای لغوی ناظر به همین معناست، لیکن با یک مفاهیم دیگری همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ با یک واقعیت‌هایی در تاریخ و در جامعه همراه شده که ما آنها را قبول نداریم. لذا ما به جای استعمالات و اصطلاحاتی که بین چپ‌روها و مارکسیست‌ها و اینها معروف بود، اصطلاح «استکبار» را، اصطلاح «استضعاف» را، اصطلاح «مردمی بودن» را مطرح کردیم و آوردیم. ما آوردیم، یعنی انقلاب آورد، نه اینکه اشخاص خاصی در این زمینه تأثیر حتمی و قاطعی داشته باشند.

همین طور است نهادسازی. وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا میکند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را - آن مجموعه‌هایی که آن هدفها را باید دنبال کنند - به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند، یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است، هر دو جزو کارهای دشوار است. انقلاب اسلامی هر دو را انجام داد. فرض کنید در مقوله‌ی نظامی، ارتش که ساخته و پرداخته‌ی فرهنگ دیگری و نظام دیگری و کسان دیگری بود، تبدیل شد به یک ارتش انقلابی، به یک ارتش متدین و مؤمن؛ ساختهایش هم تغییر پیدا کرد، روشهایش هم تغییر پیدا کرد، شعارهایش هم تغییر پیدا کرد؛ در آن، تحول به وجود آمد. در کنار این، نهاد نوپا و تازه‌ای از خود انقلاب روئید و آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ که اگر این دومی نمیشد، اولی هم امکان‌پذیر نبود. اینها هنرهای انقلاب است که امام بزرگوار ما مظهر اعمال این هنرها و فهم دقیق از نیاز جامعه و نیاز آینده بود و این را با قدرت، با قاطعیت و با پیگیری انجام داد.

این حرکت عظیم بسیج، این اقدامی که امام در سازماندهی بسیج کرد - مطالبه‌ی سازماندهی بسیج را امام کرد، ارتش بیست میلیونی را امام مطرح کرد - یکی از همان کارهای معجزآسای انقلاب بود که امام انجام داد.

من آن روز عرض کردم؛ وقتی یک نظامی، یک کشوری، یک ملتی با این آرمانهای والا و بظاهر دست‌نیافتنی - مقابله‌ی با ظلم جهانی، مقابله‌ی با سلطه‌ی بین‌المللی قدرتها، مقابله‌ی با نظام سلطه، مقابله‌ی با استضعاف و استکبار، هر دو - سر کار می‌آید، طبعاً دشمنان گردن‌کلفتی دارد، دشمنان بزرگی دارد، قدرتهای بزرگی به میدان او می‌آیند برای مقابله‌ی با او؛ لذا باید آمادگی‌های لازم را در خود به وجود بیاورد. یکی از ارکان این آمادگی‌ها، همین مسئله‌ی بسیج بود.

امام با این مضمون فرمودند که وقتی بیست میلیون انسان آماده‌ی مبارزه‌ی با سلاح در یک جامعه‌ای باشد، هیچ قدرتی در دنیا طمع نمیورزد؛ میفهمد هزینه‌ی تهاجم به این مجموعه، هزینه‌ی زیادی است. «ارتش بیست میلیونی» را امام مطرح کردند؛ البته بیست میلیون در مقایسه‌ی با جمعیت آن روز کشور که حدود چهل میلیون بود؛ بعد ما عرض کردیم «ارتش ده‌ها میلیونی». واقع قضیه هم همین است. البته این معنایش این نیست که همه‌ی جامعه نظامی میشوند، همه تفنگ دست میگیرند؛ معنایش این است که همه آماده‌ی دفاع میشوند، آماده‌ی مبارزه‌اند. ملتی که همه آماده‌ی مبارزه‌اند، این ملت دیگر شکست نخواهد خورد. هر توطئه‌ای در مقابل این ملت اینچنینی، اینجور با این سطح از آمادگی، نقش بر آب خواهد شد. امام یک چنین ابتکاری را کرد. لذا در آذر 58 امام بسیج را اعلان کردند، تشکیل دادند؛ تا آخر عمر هم امام نسبت به بسیج، همین نگاه اهتمام‌ورزانه را داشتند. «بسیج مدرسه‌ی عشق است»، «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام است»، «بسیج لشکر مخلص خداست»؛ اینها تعبیرات امام



بزرگوار است. این نشانه‌ی درست شناختن نیاز این کشور و این ملت و این نظام است در حال و آینده؛ این یک چیزی است که همیشه به آن احتیاج است؛ پنجاه سال دیگر هم همین نیاز وجود دارد.

البته بسیجی که در سال 58 تشکیل شد، نیازهای آن روز را تأمین میکرد - این یک نیاز بود - امروز بسیج نوع نیازهای دیگری را برآورده میکند. مسائلی که امروز مطرح است، آن روز مطرح نبود. امروز بسیج ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی ابتکار، در زمینه‌ی نوآوری، پیشرو است. این هم هنر امام بود. امام در همین نوشته‌ای که در آذر 67 مرقوم کردند - یعنی آخر عمرشان، تقریباً ده سال بعد از آن نوشته‌ی اول - از دانشجویان و طلاب میخواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانشجو و بسیج طلبه. این نشان‌دهنده‌ی این است که نیازی که کشور به روحیه‌ی بسیجی دارد، مربوط میشود به همه‌ی زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هایی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و زمینه‌هایی که در قلمرو دانشگاه‌هاست. امروز در حوزه‌ی علمیه هم فضایی بسیجی ما، علمای بزرگ بسیجی ما حضور دارند، افتخار هم میکنند. امام هم افتخار میکرد. امام با آن عظمت، میگفت من افتخارم این است که یک بسیجی‌ام. در دانشگاه هم همین جور است. در دانشگاه هم بسیج دانشجو، بسیج استاد، یک پدیده‌ی پیشرونده و پیشرو محسوب میشود.

امروز ما در همه‌ی زمینه‌ها مسائلی داریم که آن روز نداشتیم. آن روز این پیشرفتهای علمی نبود. اول انقلاب، هم و هم نظام و بسیج و سپاه و همه‌ی مسئولین کشور و انقلاب این بود که این موجودیت جدید را حفظ کنند؛ این نهالی که تازه از سرزمین این مملکت روئیده بود، نگذارند از بین برود و برکنده شود. در همین غرب کشور، در منطقه‌ی جنوب شرقی کشور، در منطقه‌ی شمال شرقی کشور، در منطقه‌ی جنوب غربی کشور، در مناطق گوناگون، مستکبرین، دشمنان انقلاب، دشمنان اسلام، دشمنان ایران حوادثی را به راه انداخته بودند. آن روز جوانان مؤمن و دلباخته، با روحیه‌ی خودجوش بسیجی توی میدان می‌افتادند و جان خودشان را فدا میکردند؛ که من مثالی‌های کرمانشاه‌اش را، هم دیروز در دیدار با خانواده‌های شهدا بعضی را اشاره کردم، هم در صحبت پریروز؛ که یک ماه بعد از انقلاب، انسان میدید این حرکت‌های خودجوش مردمی، این جوانها، از همین کرمانشاه دارند حرکت میکنند. بسیج این است. بسیج، حرکت برخاسته‌ی از ایمان، از عشق، از اعتماد به نفس و توأم با ابتکار است.

در همه‌ی زمینه‌ها باید ابتکار کرد. من حالا نگاه میکردم به همین ورزش باستانی؛ به قول قدیمی‌ها، این نیم‌گودی که اینها اجرا کردند، پر از ابتکار بود. خب، ما گودهای ورزش باستانی را در دوران جوانی دیدیم؛ مکرر، همه جا، همه جور؛ یک روش ثابت و مستقری داشت، همیشه و همه جا هم همان تکرار میشد. البته بد هم نبود، خوب بود، اما این همه نوآوری در آن نبود. امروز من می‌بینم که این جوانها همان پایه‌های ورزشی قدیمی را گرفته‌اند، این را با انواع و اقسام ابتکارها و زیبایی‌ها و ظرافتها مذهبش کردند، خراطی کردند، نقاشی کردند، یک چیز زیبایی از آب درآوردند؛ این ابتکار است. حالا این در زمینه‌ی ورزش باستانی است؛ در همه‌ی زمینه‌ها این ابتکار ممکن است. ابتکار در نوع فرماندهی، ابتکار در نوع جنگیدن، ابتکار در نوع جنگ‌افزار، ابتکار در نوع سازماندهی؛ این مال محدوده‌ی نیروهای مسلح. بعد برویم بیرون نیروهای مسلح. ابتکار در نوع دیپلماسی. عرصه‌ی عظیم دیپلماسی با انواع شیطنتها همراه است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی شیطنت است؛ می‌بینید دیگر. البته خدا را شکر که دشمنان ما را از کسانی قرار داده که نمیفهمند چه کار باید بکنند؛ می‌بینید دیگر. البته خدا را شکر که دشمنان ما را توی چاله می‌رود؛ عبرت هم نمیگیرند، دوباره همان را تکرار میکنند؛ مثل همین حرفه‌هایی که در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان میگویند و انجام میدهند. عرصه‌ی دیپلماسی، یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار



عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ اینها ناشی از همین روحیه‌ی انقلابی‌ای است که ما از آن تعبیر میکنیم به روحیه‌ی بسیجی، روحیه‌ی جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد به نفس.

در زمینه‌ی اقتصاد هم همین جور، در زمینه‌ی فعالیتهای تولیدی هم همین جور، در زمینه‌ی پیشرفت علمی و تحقیقی هم همین جور. بنابراین منطقه‌ای که ما نام بسیج را بر آن اطلاق میکنیم و روحیه‌ی بسیجی را در آن گسترش میدهیم، يك منطقه‌ی محدود نیست، فقط منطقه‌ی نظامی نیست؛ همه‌ی بخشهای کشور میتوانند دارای روحیه‌ی بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی؛ مفهوم بسیج شامل حال همه‌ی این زمینه‌ها میشود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص.

پایه‌ی اصلی کار بسیجی، اخلاص است. «گمنام»، از جمله‌ی تعبیرات امام است: «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام». گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن. گفت: «در کیش ما مجرد عنقا تمام نیست/در قید نام ماند اگر از نشان گذشت». (1) برای خدا کار کردند، که این ناشی است از روحیه‌ی اعتماد به خدا؛ میدانیم که پیش‌خداي متعال ضایع نمیشود. شما در خلوت عبادت میکنید، با خدا حرف میزنید، کسی هم نمیفهمد؛ خاطرتان هم جمع است که خدا دارد می‌بیند، این عبادت را محسوب میکند؛ کرام‌الکاتبین الهی نمیگذارند این عبادت شما مثل عملی که انجام نشده، بماند؛ نه، تحقق پیدا کرده، این را یادداشت میکنند؛ آن وقت «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره»؛ (2) همین را می‌بینید. عین همین در فعالیتهای اجتماعی است. شما يك حرکتی را انجام میدهید برای خدا، يك اقدامی را میکنید برای خدا، يك تصمیمی را میگیرید برای خدا، هیچ کس هم نمیفهمد؛ برای این تصمیم، پیش‌هیچ کس هم تفاخر نمیکنید؛ این را خدای متعال میفهمد، میداند، مینویسد. به خدای متعال اعتماد دارید، به خدای متعال حسن ظن دارید. حالا گیرم دیگران نفهمیدند. مگر دیگران چقدر به ما مزد میدهند؟ در مقابل مزد الهی، این مزدهای دنیوی مگر چقدر است؟ بسیجی اینجوری فکر میکند؛ لذاست که اخلاص به خرج میدهد، مخلصاً لله کار را انجام میدهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است. اگر اخلاص شد، آن وقت خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و اینها برکنار خواهد شد؛ ثروت‌اندوزی برای خود، دست‌دراز کردن به اینجا، به آنجا، دیگر ممنوع خواهد شد. اینها همه‌اش ناشی از شرك است؛ شرك پنهان. وقتی که اخلاص بود، شرك نبود، اینها دیگر از بین خواهد رفت. روحیه‌ی بسیجی این است. در مدیریتهای کشور، در نظام عمومی کشور و سازماندهی عمومی کشور، در فعالیتهای گوناگون، در فعالیتهای مرسوم دولتی، در فعالیتهای شخصی، همه جا روحیه‌ی بسیجی میتواند خودش را نشان بدهد.

البته برای بخش نظامی و آمادگی‌های دفاعی، يك امتیاز وجود دارد. وقتی ما میگوئیم همه جا بسیج هست، معنایش این نیست که از بسیج بیست میلیون‌ای که امام گفت - یا ده‌ه‌میلیونی بعد از امام - غفلت کنیم؛ نه، نه؛ آن لازم است. با آرزوها و آمال و نگاه‌های بلندنظرانه‌ای که ملت ما دارد، آمادگی دفاعی لازم است و همیشه باید وجود داشته باشد؛ همراه با ابتکار، همراه با نوآوری. لذاست که ما از سازماندهی‌های بسیج کاملاً حمایت میکنیم. عمق فکر و بصیرت هم در این سازماندهی‌ها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد. یعنی جوانان عزیز ما بدانند، آگاهانه حرکت کنند؛ بدانند دنبال چه هستند.

در بین مجموعه‌ی این حرکاتی که در اطراف جهان وجود دارد؛ این آمیختگی حق و باطل، این تسلط و هیمنه‌ی ظالمانه و شیطنانی انسانهای شیطان‌صفت بر زندگی دیگران؛ در این فضای کدائی، که فضای استکبار است، همان



فضای نظام سلطه است که ما بارها تکرار کرده‌ایم، یک ملتی پیدا شده که حرف حق میزند، دنبال حق است، دنبال حقوق انسانهاست، دنبال استقرار عدالت است. این ملت، ملت عزیز ایران است؛ به برکت اسلام، به برکت انقلاب. ملت ایران پای این حرف ایستاده است. به خاطر ایستادگی ملت ایران، این فکر بتدریج جای خود را در این منطقه باز کرده، بلکه در جهان باز کرده؛ حالا ما در این منطقه‌اش را داریم می‌بینیم. این یک حقیقتی است.

بدیهی است که شیطانهای عالم دست برنمی‌دارند؛ تا وقتی از پا نیفتند، دست برنمی‌دارند. حکومت منحرف و کج و غلط شوروی تا وقتی بود، مثل همین نظام لیبرال سرمایه‌داری و - به قول خودشان - لیبرال دموکراسی، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالف بود. میدانید اینها در صد تا مسئله با هم مخالف بودند، اما در چند مسئله با همدیگر توافق داشتند؛ یکی از آن مسائل و در رأس آنها، مبارزه‌ی با قیام اسلام و پیشرفت اسلام و نظام جمهوری اسلامی بود. ولی خوب، نظام منحرف شیطانی شوروی نابود شد، این یکی هم نابود خواهد شد؛ اما تا هستند، زور خودشان را می‌زنند و همه‌ی همت خودشان را به میدان می‌آورند برای مقابله‌ی با نظام اسلامی؛ البته بلاشک بی‌فایده است. اگر این طرف ایستادگی داشته باشد، صبر داشته باشد، امید را در دل خود از دست ندهد و دنبال کند، قطعاً پیروزی با این طرف است؛ این یکی از سنتهای الهی است. خدای متعال صادق است، اصدق القائلین است؛ «و لینصرن الله من ینصره»، (3) «ان تنصروا الله ینصرکم». (4)

یک جبهه‌ای دارد حق را تعقیب میکند، دنبال میکند؛ جبهه‌ی مقابل او به دنبال باطل است. یک وقت هست که این جبهه‌ی حق می‌ترسند؛ خوب بله، معلوم است که شکست می‌خورند؛ حقند، اما شکست می‌خورند. یک وقت هست که بی‌صبری نشان می‌دهند، البته شکست می‌خورند؛ یک وقت حرف حق دارند، اما به لوازش عمل نمی‌کنند، دنبال دنیا و مادیت و عشرتند، البته شکست می‌خورند. خدای متعال چک سفیدی نداده است که شما چون برحقید، حتماً پیروز خواهید شد؛ نه، شما پیروز خواهید شد، چون برحقید، و چون ایستادگی میکنید. اگر بایستید، پیروز خواهید شد. ولی تا فرا رسیدن آن پیروزی نهائی، مبارزه، درگیری و چالش ادامه دارد.

در دل نظام اسلامی باید یک نیروی دفاعی قادر، بیدار، مستحکم و آماده به کاری همیشه وجود داشته باشد؛ این همان روحیه‌ی بسیجی است. ارتش هم میتواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد، سپاه هم میتواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد، یگانهای بسیج هم که با همین مبنا تشکیل شدند، میتوانند روحیه‌ی بسیجی داشته باشند، دستگاه‌های دولتی هم میتوانند روحیه‌ی بسیجی داشته باشند، دستگاه‌های انتظامی هم میتوانند روحیه‌ی بسیجی داشته باشند، دستگاه دیپلماسی هم میتواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد. به بسیجی با این چشم نگاه کنیم، به روحیه‌ی بسیجی با این چشم نگاه کنیم؛ و این روحیه را هرچه میتوانیم، زنده بداریم.

از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهایی که بر عهده‌ی بسیج است و در بافت درونی هویت بسیج دخالت دارد، عبارت است از حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی. این هم در بیانات امام هست؛ اصول تغییرناپذیر اسلامی. اینجا بسیج، یک نقش فرادوره‌ای پیدا میکند. بسیج نگاه میکند ببیند که این حرکت عمومی انقلاب و نظام از مسیر درست منحرف نشود؛ مراقب است که انحراف به وجود نیاید؛ هر جا انحرافی مشاهده شد، بسیج در مقابل آن می‌ایستد. این از جمله‌ی خصوصیات است که مربوط به بسیج است؛ یعنی در مقابل انحرافات می‌ایستد. خط مستقیم به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی، بدون هیچگونه انعطاف و انحراف؛ از خصوصیات بسیج این است. این دیگر نگاهی از بالاست،





نگاهی فرادوره‌ای است؛ در واقع فرازمانی است. در بعضی از بخشها ممکن است اشکالاتی پیش بیاید؛ حرکت عمومی باید حرکت مستقیمی باشد. این نگاه، نگاه بسیجی است.

یکی از چیزهایی هم که من لازم است عرض کنم، این است که بسیج با همین خصوصیتی که گفته شد، پایبند به قوانین و مقررات و ارزشهایی است که در قالب نظام مجسم شدند. ابتکار باید به وجود بیاید، نوآوری باید به وجود بیاید، اما بی‌انضباطی نه. یک عده‌ای اشتباه میکنند؛ خیال میکنند بسیجی یعنی کسی که پایبند به مقررات نیست، پایبند به قوانین نیست، پایبند به ضوابط مستقر در جامعه نیست؛ خیر، این اشتباه است، این خطاست. البته اگر چنانچه هویت کلی بسیج که گاهی در مجموعه‌ی نظام خودش را نشان میدهد - یعنی شامل رهبری و مجموعه‌ی قانونگذار و اینها - ببیند یک ضابطه‌ای مانع است، آن ضابطه را عوض میکند. ضابطه را عوض میکند، نه اینکه بی‌ضابطگی و بی‌انضباطی به خرج بدهد. از دوره‌ی جنگ، در زبان بعضی‌ها بود که بسیج بی‌هوا حرکت میکند - میگفتند بسیج بی‌ترمز - علت هم این بود که در میدانهای جنگ، در عرصه‌های نبرد، بسیجی‌ها همین طور هی پا به زمین میکوبیدند، اصرار داشتند که حمله انجام بگیرد؛ میخواستند زودتر تهاجم کنند. آن روحیه‌ی هیجان و نشاط جوانی، آنها را به سمت میدانها میکشانند. خب، فرمانده‌ها همه جا مصلحت نمیدانستند؛ نگه میداشتند. یک نوع کشمکش اینجوری همیشه در بخشهای مختلف جبهه‌های نبرد وجود داشت. میگفتند بسیج بی‌ترمز است. این به این معنا نیست که بسیج بی‌انضباط است، یا باید بی‌انضباط باشد، یا بی‌انضباطی یک ارزش است؛ ابداً. خود نفس انضباط، منضبط بودن، منتظم بودن، یک ارزش است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به فرزندانش وصیت میکند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم»؛ (5) کارتان را منظم داشته باشید، نظم داشته باشید. اگر نظم از بین رفت، اگر این آهنگ درست از بین رفت، ناهنجاری به وجود می‌آید؛ در همه جا همین جور است. نظم است که زمینه برای موفقیت فراهم میکند. یک نیروی نظامی هم اگر نظم نداشته باشد، بکلی بی‌فایده میشود. این تشریفات که شما در نیروهای نظامی ملاحظه میکنید، این رژه و سان و درجه و لباس و منظم بودن، اینها همه‌اش این نیست که بخواهند ظاهر را درست کنند؛ نه، این عادت دادن نیروی نظامی به انضباط است، به نظم است. شما از اینجا باید حرکت کنید، از این خط یک قدم آن طرف‌تر نباید پا را بگذارید؛ این نظم است. خوشبختانه امروز، هم در سپاه، هم در ارتش می‌بینیم که این چیزها کاملاً رعایت میشود. نظم چیز لازمی است. اگر نظم را از یک مجموعه‌ی نظامی، از یک واحد نظامی بگیرند، هیچ فایده‌ای ندارد. فرض کنید یک تیپ نظامی هزار نفر آدمند. خب، هزار نفر آدم که این کارائی‌ها را ندارد. هزار نفر آدم وقتی در قالب یک تیپ، چند گردان، هر گردانی چند گروهان، هر گروهانی چند دسته، با فرماندهی‌های منظم، با حد مشخص، با دستور کاری منظم تشکیل شد، آنگاه این تیپ این توانائی را پیدا میکند؛ والا هزار نفر آدم، بدون این نظم، بدون این برنامه، بدون این دستور، از او کاری بر نمی‌آید. نظم اینقدر مهم است. بنابراین انضباط ارزش است، بی‌انضباطی ارزش نیست؛ بی‌قانونی ارزش نیست، بر طبق مقررات عمل کردن ارزش است؛ این را توجه داشته باشند. این از این طرف؛ از آن طرف هم بعضی‌ها برای اینکه حرکتهای ابتکاری را، حرکتهای برخاسته‌ی از روحیه‌ی بسیجی را به حاشیه و انزوا برانند، به بعضی از مقررات دست‌وپاگیر تمسک نکنند؛ این هم این طرف قضیه است. اگر یک وقتی واقعاً دیده شد مقرراتی وجود دارد که جلوی ابتکار را، جلوی حرکت را، جلوی پیشرفت را میگیرد، آن کسانی که باید آن مقررات را تغییر بدهند، تغییر بدهند و مانع را بردارند. از آن طرف، بی‌قانونی و خروج از مقررات انجام نگیرد؛ از این طرف، دست‌وپاگیری مقررات و مزاحمت مقررات از میان برداشته شود. مدیریتهای کلان در بخشهای مختلف باید به این چیزها توجه کنند. به هر حال این یک بخشی بود از نگاهی که ما به بسیج داریم.



من به شما عرض بکنم؛ آینده‌ی کشور، آینده‌ی بسیار روشنی است. علی‌رغم همه‌ی آنچه که دشمنان ما هی خواسته‌اند و هی گفته‌اند و بعضی حنجره‌های غرض‌ورز و زبانهای آلوده‌ی به بدخواهی آنها را تکرار کردند، تبلیغ کردند، یک عده‌ای هم ساده‌لوحانه باور کردند، حرکت انقلاب اسلامی، یک حرکت موفق است؛ تجربه‌ی روی زمین ما این را نشان میدهد. ما خیالبافی نمیکنیم؛ نمیخواهیم توهم‌سازی کنیم و خودمان را با توهماتِ خودمان خوشحال کنیم؛ نه، واقعیات را نگاه میکنیم، می‌بینیم نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران در سایه‌ی این نظام، در این سی و دو سال، روزبه‌روز پیشرفت کردند؛ آن هم پیشرفتهائی بسیار برجسته‌تر از پیشرفتهای متعارف و معمول ملتها. بعضی از ملتها هستند که مدیریتهای خوبی دارند، کارهای خوبی میکنند؛ ولی این حرکت ملت ایران، موفقانه‌تر و کامیابانه‌تر بوده از آنچه که در دنیا وجود دارد و متعارف است. در همه‌ی زمینه‌ها همین جور است؛ ما پیشرفت کرده‌ایم.

بعضی از مشکلات در جامعه وجود دارد. پیشرفت کردن معنایش این نیست که مشکلات نیست؛ معنایش این است که حرکت به سمت کامل شدن و بهتر شدن است؛ و این وجود دارد. در همه‌ی زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی تجربه‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون، که میتواند الهام‌بخش مدیرانی باشد که در قسمتهای مختلف کشور یا در مدیریتهای کلان کشور حضور دارند؛ این میتواند به آنها کمک کند.

و از همه مهمتر، پایبندی به ارزشهاست. پایبندی به مبانی و ارزشهائی که انقلاب بر اساس آنها به وجود آمد، خیلی چیز مهمی است. به اعتقاد من، با نگاه و تشخیص من، امروز این پایبندی بیشتر از گذشته است. خوب، اول انقلاب هیجانهای جوانها خیلی زیاد بود - که ناشی از همان شعله‌ی انقلاب بود - اما عمق در همه جا وجود نداشت.

بنده آن روز هم با دانشجویها سر و کار داشتم؛ هفته‌ای یک بار میرفتم دانشگاه، پاسخ به سؤالات میدادم. در تهران و هر جای دیگر هم که میرفتم، همین جور بود؛ با سؤالات دانشجویها و ذهن دانشجویها مواجه بودم. امروز نگاه‌ها خیلی عمیق‌تر، بنیانی‌تر و برخاسته از ژرف‌نگری بیشتر در مبانی است. آن روز هیجان بود، حرکت بود، حرکت هم حرکت بسیار موفق و بارزشی بود، فداکاری‌های فراوانی هم شد؛ اما جوان امروز ما عمیق‌تر است. امروز آن مایه‌های هیجانی هم نیست، تبلیغات دشمن هم فراوان است، در عین حال جوان امروز اینجوری است. حالا بعضی‌ها از همه‌ی این مثبتات چشم میپوشند، نگاه میکنند به موارد آسیب‌یافته و ناهنجار؛ فقط ناهنجاری‌ها را می‌بینند؛ این غلط است. ناهنجاری هست؛ باید نگاه کنیم ببینیم این ناهنجاری‌ها به سمت سلامت یافتن و عافیت یافتن است یا نه؛ اگر دیدیم به سمت سلامت است، به سمت درست شدن است، به سمت فهمیدن است، بفهمیم که کار، کار موفق است؛ آن هم در این دنیا؛ دنیائی که مسائل تبلیغاتی از اطراف به جوان مؤمن و سالم ما تهاجم کردند.

جوانهای عزیز! این دیدگاه را پایه‌ای قرار بدهید برای حرکت خودتان. سعی کنید در محیط پیرامونی اثر بگذارید. سعی کنید این تعمق را بیشتر کنید. سعی کنید آگاهی‌های اسلامی عمیق را در حوزه‌ی کاری خودتان گسترش بدهید. امروز خوشبختانه وسائل این کارها هم فراهم است. همین نوشته‌های شهید مطهری و نوشته‌های فضلا و علمای برجسته‌ای که امروز در قم و تهران و جاهای دیگر هستند، چیزهای خوبی است، معارف خوبی است، مطالب خوبی است؛ در آنها معنویت هست، عقلانیت هست، دقت هست، آینده‌نگری هست. ذهن خودتان را به این معارف تبدیل کنید و این را در محیط پیرامون خودتان گسترش بدهید.



البته يك روحی هم در اینجا وجود دارد و آن، ارتباط با خداست. هرچه میتوانید، ارتباط معنوی و شخصی خودتان با خداوند متعال را تقویت کنید؛ این خیلی باارزش است. این نگاه جوانانه‌ی شما، يك سخن گفتن از روی دل با خدا، يك استغفار، يك تهلیل و تکبیر، يك استغاثه، تضرع پیش پروردگار عالم، از شما جوانها، آثار خیلی زیادی را بر جا میگذارد؛ این را فراموش نکنید.

این جلساتی هم که دارید - جلسات معنویت و دعا و اینها - سعی کنید آنها را همراه کنید با معرفت. دعای کمیل، همراه با شناخت مفاهیم دعای کمیل و معرفت دعای کمیل؛ دعای ندبه، همین جور؛ و بقیه‌ی کارهایی که انجام میگیرید، با معرفت باشد. از علمای محترم، خوب و صاحب فکر - که بحمدالله هستند - استفاده بشود.

این حرکت، حرکت موفق است و ملت ایران به کمک همین روحیه‌های جوان و مؤمن و بسیجی و دارای ابتکار، ان شاءالله قله‌های اقتدار جهانی را فتح خواهد کرد و به دست خواهد آورد و ان شاءالله پرچم اسلام را بر این قله‌ها خواهید کوبید؛ همچنان که سی سال پیش کسی خیال نمیکرد که شعار اسلام و قرآن و ایمان به مبانی اسلامی در کشوری مثل تونس یا در کشوری مثل مصر بلند شود. امروز این شعارها را مشاهده میکنید. ان شاءالله این روند رو به گسترش است.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، فضل و رحمت و کرامات خود را بر این دل‌های پاک و روشن نازل بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در هر نقطه‌ای از کشور و در هر بخشی از بخشهای مجموعه‌ی این کشور قرار داریم، موفق بدار که بتوانیم بر طبق رضای تو عمل کنیم. پروردگارا! دشمنان این ملت را منکوب و سرکوب کن. پروردگارا! وسائل عزت و شرف و افتخار دینی و اسلامی این ملت را روزبه‌روز برای او فراهم‌تر بفرما. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز ما را با پیغمبر و اولیائش محشور بفرما. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار ما را با اولیائش محشور کن.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته